

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش جلسه رسمی شماره ۲۹۸
پنجمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش
روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۹



مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

تهیه‌کننده: مرضیه حبیبی

راهبر: سهیلا صادق زاده

معاونت مرکز: حوزه مشاور راهبردی

ناشر: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

استفاده از محتوی با ذکر منبع بلامانع است.

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی: خیابان شریعتی، خیابان پل رومی، خیابان شهید اکبری، نبش خیابان آقابزرگی، شماره ۳۲

کد پستی: ۱۹۶۴۶۳۵۶۱۱ تلفن: ۸۳-۲۲۳۹۲۰۸۰

info.rpc@tehran.ir <http://rpc.tehran.ir>





❖ **موارد مطروحه از سوی رئیس محترم شورا آقای مهندس هاشمی:** در آستانه سی و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) قرار داریم، انقلاب اسلامی میراث بزرگ امام خمینی برای ایران بود که مردم محور، ستون و روح انقلاب محسوب می‌شوند. بدون حضور و همراهی مردم، نهضت امام خمینی که از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ آغاز شد در همان آغاز به پایان می‌رسید اما این مردم بودند که با فدا کردن جان و مال و آسایش خود، نهضت را زنده نگهداشتند و به پیروزی رساندند. بزرگ‌ترین قدرت و پشتوانه نظام جمهوری اسلامی در این ۴۲ سال، همین حمایت و حضور مردم بوده استوکسانی که در تریبون‌های رسمی، حضور و مشارکت مردم را غیر لازم فرض می‌کنند، تیشه به ریشه نظام می‌زنند. بزرگ‌ترین ضربه به جمهوری اسلامی، دل‌سرد کردن و مأیوس کردن مردم و بستن فضای حضور و نقش‌آفرینی آحاد جامعه در سرنوشت کشور است و هرکس در هر مسئولیت و جایگاهی با این جریان همراه شود با جریان اصیل انقلاب و اسلام ناب محمدی با قرائت امام و رهبری که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است فاصله دارد. تفکیک بین حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، ارزش‌ها و اکثریت، مشروعیت و مقبولیت، جمهوریت و اسلامیت، در اسلام ناب پذیرفته شده نیست و حکومتی که از حمایت و نقش‌آفرینی اکثریت مطلق جامعه برخوردار نیست، حکومتی اسلامی تلقی نمی‌شود. فرصت انتخابات گذراست اما اگر در این فضا، آسیبی به اعتقاد و اعتماد مردم، با تندروی و یکجانب‌گرایی جریان‌ی ایجاد شود، آثار درازمدت و ماندگاری خواهد داشت که با پایان انتخابات پایان نمی‌یابد. مناسب است جریان‌ی که خود را پیروز انتخابات می‌داند، بجای تخریب و تحقیر دیگران، از شیوه گفتگو و اقناع استفاده کند تا آسیب‌های وارد شده به اعتقاد و اعتماد عمومی را کاهش دهد.

❖ **نطق پیش از دستور آقای حبیب‌زاده:** من پیش‌ازاین به مناسبت‌های گوناگون از مسئله فقر و مشکلات اقشار فرودست و آسیب‌پذیر و کارگران گفته‌ام. امروز سخنانی کوتاه دارم با رئیس‌جمهور آینده، درباره سرگذشت فقر در چهار دهه گذشته و ضرورت‌های رسیدگی به آن در آینده و بزنگاهی که امروز در آنیم. داستان فقر در کشور ما داستانی سیاسی است، نه اقتصادی. فقر و تورم و گرانی و رکود و بیکاری معلول روابط سیاسی صاحبان منافع خاص و تصورات نادرست تصمیم‌گیرانی است که اغلب بی‌هیچ پشتوانه‌ای از دانش سیاست و اقتصاد و تاریخ و جامعه‌شناسی و حقوق، بر کرسی‌های سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری تکیه می‌زنند. قدری به عقب بازگردیم. به یاد به یاریم شعارهای انقلاب اسلامی را که رفاه و آبادانی و کرامت انسانی و رفع دغدغه معیشت بود. همان شعارهایی که فقرا و مستضعفان بدان پیوستند. می‌پنداشتیم و قرار هم این بود که هم دنیايمان آباد می‌شود هم آخرتمان. به پای عمل که رسیدیم، دیدیم که افتاد مشکل‌ها. هنوز عرق انقلاب خشک نشده بود که جنگ تحمیلی راه افتاد. چیزی از خاک وطن مقدس‌تر نبود. همه، به سهم خود، به دفاع از سرزمین شتافتیم. جنگ که تمام شد، لابد وقت تحقق شعارها رسیده بود. اما باز دندان به جگر نهادیم تا سر از خرابی‌های جنگ بیرون آوریم. از انقلاب تا سال‌های پس از جنگ صرف‌آزمون و خطا شد. صرف‌اینکه سیاستمداران و مدیران تازه به قدرت رسیده در کنار بوروکراسی‌های قدیمی دستگاه اداری کشور، تجربه‌اندوزند و یاد بگیرند اداره کشور چگونه است، اقتصاد چیست، جامعه چیست، فرهنگ چیست، روابط بین‌الملل چیست.

در دهه ۷۰، موسم امید وزیدن گرفته بود که اینک دیگر زمان تحقق شعارهای انقلاب رسیده است. بعد از همه‌سال‌های دشوار، اقتصاد به ثباتی نسبی رسیده بود و سیاست‌های اقتصادی دولت می‌رفت تا از پوپولیسم و توزیع بی‌محابای منابع کشور دور شود و برمدار عقل و علم قرار گیرد. بعد از سال‌ها تجربه، زعمای کشور با این واقعیت سخت روبه‌رو می‌شدند که برای مرفه کردن مردم و آبادانی کشور و تحقق شعارهای انقلاب، اول باید



تولید ثروت کرد. اگر می‌خواهند تأمین اجتماعی و مسکن و رفاه و معیشت فراهم کنند، باید کارخانه و تولید و اشتغال و تجارت خارجی رونق داشته باشد. اما دریغ! آن موسم امید یک‌باره در طوفان سهمگین عوام‌فریبی و غوغا سالاری گم شد. آن همه سال تجربه‌اندوزی و هزینه‌ای که صرف آزمون و خطا شد گویی یک‌شبه بر باد رفت و گربه روی چهار دست و پای خود فرود آمد. خیل نوباوگان سیاست که به کرسی قدرت رسیده بودند و می‌پنداشتند منابع کشور مال بادآورده‌ای است که باید می‌توان میان ابواب جمعی ریخت و پاش و میان گروه‌هایی از مردم توزیع کرد تا از این راه، محبوبیت و توجهی خرید. هر قدر بخت با مردم ایران یار نبود، با این خیل عوام‌فریبان یار بود. دوره‌ای که بهترین سال‌ها برای رشد و توسعه اقتصادی کشور، برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و واحدهای تولیدی و توسعه صنعتی به پشتوانه درآمدهای نفتی بی‌نظیر تاریخ ایران بود، ... سوخت! مثال افرادی که یک‌باره ارث هنگفتی به دست آورده باشند، اما ظرف چند سال همه را حیف و میل کنند و آخر سر، محتاج نان شب بمانند. در همه آن هشت سالی که می‌شد اقتصاد کشور را متحول کرد، در مجموع ۱۴ هزار شغل خالص ایجاد شد. ثمره نشستن افراد خام بر کرسی‌های بلند و سپردن امور گران به افراد نابلد، بر باد رفتن منابع کشور است و زحمت برای مردم. آن‌ها که بی‌هیچ شایستگی یک‌باره به قدرت رسیده بودند، نه تنها تجربه و درس‌های سه دهه اول انقلاب را به پای سودهای توخالی کنار گذاشتند — تا چرخ را از نو اختراع کنند — بلکه تجربه چند هزار ساله حکمت و اندیشه ایرانی را هم وانهادند. قدمای ما از دیرباز می‌گفتند «تلخ‌ترین تلخی‌ها» آن است که مردم حاجتی داشته باشند و آن حاجت را از کسی طلب کنند که اهل و لایق نباشد. سهم فقرا و فرودستان از آن دوره، علی‌رغم خوشی کوتاه‌مدت ناشی از پخش پول‌های بادآورده، در نهایت فقیرتر شدن بود. وقتی حرکت صنعت از رونق افتاد؛ تورم اوج گرفت و ارزش پول ملی سقوط کرد؛ مناسبات اقتصادی به جای امور مؤدبانه و به‌سوی فعالیت‌های کاذب و نا شفاف غیرتوحیدی آورد؛ ساختاری سفت‌وسخت از تحریم‌های بین‌المللی شکل گرفت که تجارت و اقتصاد ایران را خفه می‌کرد؛ دیگر به چاه ویلی فروافتاده بودیم که تا سال‌ها برون رفتن از آن ممکن نبود. از وقتی به این چاه افتادیم، گویی الزامات زحمت‌دیده آن‌هم بر ما تحمیل شد. با اقبال مردم به بازگشت به عقل و تجربه، چند سالی توانستیم از برخی کاردانان در امور اقتصادی و سیاسی استفاده کنیم و نتیجه آن را هم در آرامش نسبی اقتصادی، مهار تورم، و حرکت به‌سوی تنش‌زدایی در دولت یازدهم دیدیم. جوانه‌امیدی که در دل جامعه دوباره سبز شده بود دوباره به دست تندبادی از خارج و داخل پژمرد. در داخل، کاردانانی که چند سالی مشغول آواربرداری از اقتصاد کشور بودند، کنار رفتند و در خارج، سرسخت‌ترین دشمنان کشور به قدرت رسیدند. اکنون، چهل و دو سال پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، ما مانده‌ایم و جامعه‌ای که هر روز بیشتر در باتلاق فقر فرو می‌رود، فقرایی که روزگارشان آن قدر تیره است که چشمی به آینده ندارند، طبقه متوسطی که با شتابی باورنکردنی فرومی‌ریزد و به خیل فقرا و فرودستان می‌پیوندد، صنعتگران و کارآفرینانی که سرمایه‌های خود را بر باد می‌بینند و نه امکان و نه انگیزه چندانی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش تولید دارند.

زمانی که انقلاب کردیم فقر و بیداد بود، اما تا سال‌ها بعد از آن، هنوز توش و توان آن را داشتیم که به آینده بنگریم، برخیزیم و در سیمای آینده‌ای که برمی‌ساختیم، جامعه‌ای بر مدار عدالت و صلح و رفاه را تصور کنیم. حال، اما، آن قدر در امروز گرفتاریم که از نگاه به آینده می‌هراسیم. پدر و مادری که در نان شب سفره فرزندانشان



مانده‌اند، هزینه مدرسه و قلم و دفتر را ندارند، در هراس سر ماه هستند که اجاره خانه را تأمین کنند، امنیت شغلی و اطمینانی از درآمد و اشتغال ندارند؛ برای آن‌ها آینده کابوسی است که باید از آن فرار کرد. سرنوشت این انبوه خانواده‌های فقیر و فرودست، در این منجلاب اقتصادی که هیچ نقطه‌ای از آینده‌اش معلوم نیست، چه خواهد شد؟ می‌خواستیم دنیا و آخرت را آباد شود، اما هنوز معنای واقعی سخن امیرالمؤمنین را نمی‌دانستیم که از دری که فقر وارد شود، از در دیگر ایمان بیرون می‌رود. چهار دهه زمانی کافی است تا آموخته باشیم دنیا را با عقل و کاردانی و تخصص و علم در کنار همراهی و مشارکت مردم باید ساخت. اگر می‌خواهیم آخرت مردم را آباد کنیم، همان قدر کافی است که دنیای آن‌ها را ویران نکنیم. این مردم آن قدر آگاه و ریشه‌دار و نجیب هستند که برای حفظ ایمان خود نیازمند شحنه و زور نباشند.

اکنون که وارد گام دوم انقلاب می‌شویم، باید پرسید رئیس‌جمهور بعدی چگونه می‌خواهد با ابر چالش‌های اقتصادی مانند فقر و تورم و بیکاری مواجه شود؟ تا اینجا صداها و وعده‌هایی که می‌شنویم همه تکرار شعارهای بی‌پایه و پرفریب سابق است که خلاصه می‌شود در پخش و توزیع منابع و پول. یکی می‌خواهد وام ۵۰۰ میلیون تومانی به زوج‌های جوان بدهد، آن یکی یارانه ۴۵۰ هزار تومانی. انگار آمده‌اند رأی مردم را به نرخ روز پیش خرید کنند. سیاستمداری که کاردان و دلسوز و میهن‌پرست باشد، پا روی وجدان و شرافت و عقل نگذاشته و رو به مردم حقیقت را می‌گوید. می‌گوید نه پولی در بساط است که دولت بخواهد وعده پوچ بدهد، نه اساساً دولت کارخانه چاپ و توزیع پول است. صلاح مُلک و ملت هم در این فریبکاری‌ها و مخارج هزینه‌زا نیست. باید اول ثروت تولید شود و دخلی باشد که بتوان از محل آن ثروت، خرج کرد. زمانی پول نفت فراوان بود، و سیاستمدار نالایق به جای آنکه درآمد نفت را برای آیندگان ذخیره یا برای توسعه ساختار اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کند، همه را بر باد داد. امروز از آن پول نفت هم خبری نیست. هر سیاستی که به دنبال توزیع و خرج پول میان جمعیت باشد، موجب افزایش هزینه‌های دولت می‌شود، دولتی که از کسری بودجه شدید در رنج است و توان تأمین مخارج جاری خود را هم، در این هنگامه تحریم‌های سنگین و رکود اقتصاد، به‌زحمت دارد.

این عضو ارشد خانه کارگر تصریح کرد: مردم ایران، چه خیل انبوه فقیران چه جمعیت به نسبت اندک اغنیا، صاحب کرامت و شرافت هستند. صدقه و هبه نمی‌خواهند. آن‌ها حق خود را می‌خواهند، حق کار کردن، ثروت‌اندوختن و ساختن زندگی خود و جامعه را می‌خواهند. رئیس‌جمهور بعدی قرار است سکان اقتصادی کشور را به‌سوی رشد اقتصادی، رونق کارخانه‌ها، توسعه و تنوع ترکیب تولیدات صنعتی، افزایش تجارت و گسترش بخش خصوصی مولد و آزاد بگرداند، یا می‌خواهد فرمان سیاست‌های اقتصادی کشور را به ذهن‌های خام و رویزده‌ای بسپارد که پیکر نحیف اقتصاد کشور را قربانی مبارزه با دشمنان خیالی داخلی و خارجی می‌کنند و دون کیشوت‌وار به جنگ غول‌های خودساخته‌ای تحت نام لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها و راست‌ها و چپ‌ها و غیره می‌روند؟ قرار است دولت در حوزه‌های مولد برای رشد صنعتی و مشاغل پایدار و افزایش تجارت محصولات سرمایه‌گذاری کند، یا باز با دستاویز به ایده شکست‌خورده «مسکن به‌عنوان پیشران اقتصاد!»، سرمایه‌عظیمی از کشور را خرج منافع انبوه‌سازان و ساخت‌وساز کند تا کالایی غیرقابل تجارت تولید شود و بازماند سابق، نقدینگی در خانه‌های خالی یا مال‌ها و مگا مال‌ها حبس شود و سرانجام مشاغل پایداری هم ایجاد نشود؟ قرار است سیاست خارجی کشور را به سود توسعه اقتصادی و رهایی مردم به‌ویژه فقرا از رنج و



گرفتاری تنظیم کنیم، یا باز به آتش دشمنی‌های بی‌ثمر و انزوا آور بدمیم؟ خلاصه بگویم قرار است به آینده ایران بی‌اندیشیم، یا به سال ۸۴ بازگردیم؟ نه فرصت زیادی برای بازسازی اقتصاد کشور داریم و نه با این مخمصه‌های پیچیده داخلی و بین‌المللی، گزینه‌های زیادی در پیش رویمان فراهم است. قرار است با استمداد از علم و دانش و تخصص، قدم‌به‌قدم راه آرامش و توسعه و رفاه برای ملت را بپیماییم، یا با برگماشتن افراد نالایق و اذهان شعارزده، در زیر حجاب شعارها و وعده‌های دروغین، منافع خاص و گروهی را به هزینه مصالح کشور و ملت پیش ببریم؟ انتخاب رئیس‌جمهوری بعدی کدام است؟ عقلانیت و تخصص و مصالح عمومی، یا فریب و ناشایستگی و منافع خاص؟ ای‌کاش رئیس‌جمهور بعدی، خط بطلانی بر خط‌وربط‌های جناحی و ایدئولوژیک بکشد و القائات خطرناک افراد خام یا مغرضی که اقتصاد و سیاست و کیان کشور را به مخاطره می‌اندازد، کنار بگذارد، و در مسیر منافع ملی گام برداشته و بکوشد اجماعی از نخبگان و متخصصان و نیروهای سیاسی و رای روابط جناحی ایجاد کند، شاید بتوان از این بزنگاه تاریخی و حیاتی کشور را گذرداد و در تاریخ دراز این سرزمین کهن‌سال، نامی نیک از خود باقی گذاشت. باشد که قضاوت تاریخ از دوران ما مایه سربلندی باشد، نه سرافکندگی.

❖ تذکرات پیش از دستور:

۱- **آقای مسجدجامعی:** خردادماه ۱۵۰ امین سال تولد حاج حسین آقای ملک است. او به گردن تهران حق دارد چراکه جد آن‌ها آقا محمدمهدی تبریزی هستند که در جنگ‌های ایران و روسیه حضور داشتند. سرای امیر که منصوب به امیرکبیر است و موزه ملک و کتابخانه ملک و خانه ملک را ایشان ساخته است. همچنین در شهرستان ری، مدارس و باغ‌هایی قرار دارد که او ساخته است. اولین بوستان ارگانیک در گلاب دره شمیران را حاج حسین آقای ملک ساخته است. همچنین زمین و ملک مجموعه تئاترهای آیینی وقفه ایشان است و بزرگ‌ترین واقف ایران در قرن گذشته است. در زمان جنگ جنگیده است و در زمان کار تجارت کرده است و به گردن تهران خیلی حق دارد و نمی‌دانم چطور می‌شود این حق را ادا کرد.

این روزها در ۲۰۰ مدرسه پروژه کاشت درخت انجام شده است و در طرح اصلی کاشت درخت در ۵ هزار مدرسه تهران در نظر گرفته شده است و اگر بتوان این حرکت را ادامه داد و بتوانیم در مساجد و تکایا نیز این اقدام را اجرائی کنیم اقدام بسیار باارزشی است.

۲- **آقای سالاری:** حدود یک سال و نیم پیش شورای شهر تهران، شهرداری را ملزم کرد که ظرف یک ماه نسبت به اصلاح خط آسمان در طرح تفصیلی اقدام کند، شهرداری تهران طی چند ماه به بررسی کارشناسی و تخصصی موضوع پرداخت و پس از برگزاری صدها جلسه در کمیسیون شهرسازی و حوزه شهرسازی و معماری شهرداری، نهایتاً این موضوع به تصویب کمیسیون ماده ۵ رسید. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، این مصوبه را دارای تغییرات اساسی نسبت به طرح تفصیلی دانست و تصویب این طرح در دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری را الزامی کرد اما متأسفانه این موضوع چندین ماه است که در دستور جلسات دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری کشور مانده است. ما در کمیسیون شهرسازی و معاونت شهرسازی و معماری و حتی شهرداری تهران بارها این موضوع را پیگیری کرده‌ایم اما هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است، از آنجایی که این طرح در راستای تحقق عدالت اجتماعی و جبران عدم النفع مناطق غیر برخوردار است و چندین هزار نفر از شهروندان تهرانی در انتظار اجرای این طرح هستند و کار کارشناسی زیادی برای این طرح انجام شده، از

ریاست شورای شهر و شهردار تهران درخواست دارم، جلسه‌ای در این خصوص با وزیر راه و شهرسازی برگزار کنند تا بتوانیم عدم النفع چندین هزار پارسل و ملک را در راستای اجرای عدالت اجتماعی برآورده جبران کنیم.

تذکر دوم: این روزها تعداد زیادی از اعضای اتحادیه ده‌داران به دفاتر اعضای شورا مراجعه می‌کنند و از افزایش چند برابری اجاره‌بهای ده‌ها گلایه دارند. موضوع افزایش اجاره‌بهای ده‌های روزنامه‌فروشی در صحن شورای شهر مطرح نشده و گویا در پیوست‌های بودجه بوده آمده است که من درخواست دارم در این فضای کرونایی که کسب‌وکار تمام مشاغل از جمله ده‌داران روزنامه‌فروشی و سایر ده‌داران تحت تأثیر قرار جدی گرفته است، به‌فوری جلسه‌ای برای حل این موضوع تشکیل شود و شرکت ساماندهی مشاغل سریعاً این رویه را متوقف کند.

تذکر سوم: ما در این دوره مدیریت شهری، طرح‌های موضعی ارزشمندی را در راستای افزایش کیفیت زندگی شهروندان مصوب کردیم، اما متأسفانه تأخیر در بارگذاری برخی نقشه‌های این طرح‌ها در سامانه طرح تفصیلی، هزاران نفر از شهروندان را بلا تکلیف گذاشته است. طرح تفصیلی منطقه ۲۲ و نقشه‌های آن، چند ماه پیش تصویب شد اما هنوز این نقشه‌ها به‌صورت کامل در سامانه بارگذاری نشده است و وقتی مردم به حوزه شهرسازی مراجعه می‌کنند، نمی‌توانند جوابی دریافت کنند. هرچند شورای عالی شهرسازی و معماری، حدود ۱۰۸۰ هکتار به محدوده بافت فرسوده شهر تهران در این دوره را به ۹۰۰ هکتار، تقلیل داد اما نقشه‌های همین میزان هم هنوز در سامانه پیاده‌سازی نشده است تا عملیاتی شود. طرح موضعی کن چند ماه است که ابلاغ شده و اکنون شهرداری منطقه آماده اجرای طرح است اما نقشه‌های این طرح نیز بارگذاری نشده‌اند، این در حالی است که سازمان فاوا می‌تواند در عرض یک روز این کار را انجام دهد و این‌همه تأخیر جای سؤال دارد که چرا تصمیمات ارزشمند شورا عملیاتی نمی‌شود و من فکر می‌کنم توطئه‌ای در کار است.

۳- آقای نظری: تذکر امروز بنده، پیرامون نامه‌ای است که با امضای بیش از ۶۰ نفر از بهره‌برداران واحدهای تجاری مترو به دست بنده رسیده است. حتماً مستحضرید که برابر مصوبه بسته محرک در شرایط سخت اقتصادی و نیز در شرایط بحرانی ناشی از گسترش ویروس کرونا اختیاراتی به شهرداری تهران داده شده که از جمله آن ارائه یکسری تخفیف‌ها و تسهیلات به مستاجرین و بهره‌برداران واحدها، اماکن و فضاهای تجاری، اداری، خدماتی، فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی است.

در نامه‌ای که به دست بنده رسید، تعدادی از بهره‌برداران واحدهای تجاری مترو گلایه‌هایی را از نحوه برخورد مسئولان شرکت بهره‌برداری مترو مطرح و این موضوع را بیان کردند که یکسری وعده از سوی مسئولان این شرکت در خصوص تخفیف در اجاره‌بها به آنان داده شد که متأسفانه به هیچ‌یک از این وعده‌ها عمل نشده و در نتیجه این موارد برخی از این افراد در آستانه ضبط ضمانت‌نامه‌های بانکی قرار گرفته‌اند.

لذا از شرکت بهره‌برداری مترو و دیگر بخش‌های شهرداری می‌خواهم که نسبت به مصوبه‌های شورا عنایت بیشتری داشته باشند. همچنین در این مورد خاص از شرکت بهره‌برداری مترو می‌خواهم که جلسه‌ای مشترک با نمایندگان بهره‌برداران برگزار کرده و به شکل شفاف و رسانه‌ای به مطالبات آنان رسیدگی شود. اگر مطالبات مطرح شده از سوی این عزیزان نظیر درخواست تخفیف در اجاره‌بها و ... با مصوبه شورای شهر تهران سازگاری

دارد، لازم است اجرای مصوبه مدنظر قرار گرفته تا خدای نکرده حقی از کسی ضایع نشود. شهرداری حق ندارد از اجرای مصوبات استنکاف کند. اگر هم خارج از مصوبه است باید به شکل صریح به شهروندان و این افراد موضوع اعلام شود.

همچنین در مواردی مانند تقاضای جلوگیری از حقوقی شدن چکها و برگشت زدن آنها، ضبط ضمانت نامه‌ها، قسط بندی اقساط و عدم دریافت وجه التزام که جزو مطالبات مطرح شده از سوی این افراد بود. لازم است موضوع به دقت بررسی شده و تا جایی که مقررات اجازه می دهد با این افراد همکاری لازم انجام شود.

در حال حاضر در شرایط سخت اقتصادی قرار داریم و باید از اینکه ضمانت نامه این افراد ضبط شود، جلوگیری کنیم. نباید در این شرایط سخت مشکلی را بر مشکلات مردم اضافه کنیم .

لازم است گزارشی از اقدامات انجام شده برای حل مشکل این افراد به دفتر این جانب ارسال شود. باید به شکل شفاف و صریح به مردم و این افراد اعلام شود.

❖ دستور جلسه:

- ۱- بررسی اعتراض هیات تطبیق فرمانداری تهران به گزارش تحقیق و تفحص شرکت رسا تجارت: مقرر شد نامه اعتراضی با امضای اعضای شورای اسلامی شهر تهیه و جهت ارسال به فرمانداری تهیه گردد.
- ۲- لایحه اصلاح اساسنامه شرکت شهروند برای حضور در بورس: کلیات به همراه اصلاحات به تصویب رسید.
- ۳- بررسی لایحه شماره ۳۶۱۰۵۱/۱۰ مورخ ۹۹/۱۰/۱۸ شهردار محترم تهران در خصوص برنامه اجرایی توسعه و تسهیل دوچرخه سواری در شهر تهران: صرفاً کلیات لایحه به تصویب رسید.